

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# علم الہمی

## درست عرفانی و صدراپی

سید احمد غفاری قرہ باغ



سرشناسه: غفاری قره‌باغ، سیداحمد، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: علم الهی در سنت عرفانی و صدرایی / سیداحمد غفاری قره‌باغ؛ ویراستار مرضیه نکوکار.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۴۶۲ ص. | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۱-۵۶-۲ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۳۵-۴۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: ملاصدرا، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim, -1641 -- Criticism and interpretation

موضوع: ملاصدرا، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. -- دیدگاه درباره علم لایتناهی خدا

موضوع: Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- Views on omniscience of God

موضوع: خدا (اسلام) -- علم لایتناهی (Islam) God | عرفان و فلسفه\* Mysticism and philosophy

حکمت متعالیه Transcendent philosophy | فلسفه اسلامی Islamic philosophy

رده بندی کنگره: BBR ۱۱۲۱ | رده بندی دیویی: ۱۸۸۹ | شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۰۴۷۸۲ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



## علم الهی در سنت عرفانی و صدرایی

سیداحمد غفاری قره‌باغ

ویراستار: مرضیه نکوکار (گروه متنوک) | نمونه خوان: سجاد محمدی

صفحه آرا: معصومه قاسمی | طراح جلد: سعید صحابی

چاپ اول: ۱۴۰۳ | تیراژ: ۵۰۰ نسخه | قیمت: ۴۴۰ هزار تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه بوستان کتاب



ناشر: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴

تلفن: ۶۶۹۶۵۳۴۶، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۱-۵۶-۲ ISBN: 978-622-6331-56-2

[www.irip.ac.ir](http://www.irip.ac.ir)

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ  
مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا  
لَا أَذْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ  
يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ



## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۵
فصل اول: مبانی عرفانی و صدرایی مؤثر در تبیین علم الهی.....	۲۵
گفتار اول: مبانی عرفانی مؤثر در تبیین علم الهی .....	۲۵
اصالت وجود در عرفان اسلامی.....	۲۵
نقش اصالت وجود در نگرش عرفانی به علم الهی.....	۲۸
وحدت وجود عرفانی.....	۳۱
تحلیل عرفانی از چینش نظام هستی در عرفان نظری براساس نظریه وحدت وجود	
.....	۳۳
تشکیک در ظهور.....	۳۸
تبیین عرفانی جهت وحدت و کثرت در تشکیک ظهوری .....	۴۰
نقش مبانی عرفانی یادشده در نگرش عرفانی به علم الهی.....	۴۱
گفتار دوم: مبانی صدرایی مؤثر در تبیین علم الهی .....	۴۴
اصالت وجود.....	۴۴
نقش نظریه اصالت وجود در مبحث علم الهی .....	۴۶
تشکیک خاصی وجود.....	۴۹
وجود جمعی و وجود خاص؛ اصطلاحی مرتبط با نظریه تشکیک خاصی .....	۵۰
عبور از تشکیک وجود به تشکیک در ظهور در حکمت صدرایی.....	۵۲

۵۶	نقش نظریه تشکیک وجود در مبحث علم الهی
۵۸	تفکیک مفهوم، معنا، واقعیت، و وجود
۶۰	نقش تفکیک مطرح شده در مبحث علم الهی
۶۱	هویت عین الربط در حقایق امکانی
۶۳	نتایج فلسفی تبیین صدرایی از هویت امکانی در حکمت متعالیه
۶۶	ارتباط نظریه امکان فقری با مبحث علم الهی
۶۸	گفتار سوم: مقایسه حکمت متعالیه و عرفان اسلامی در موضوعات ساختاری
۶۸	مقایسه دو منظر صدرایی و عرفانی در موضوع اصالت وجود
۶۹	مقایسه دو منظر صدرایی و عرفانی در موضوع وحدت وجود
۶۹	مقایسه دو منظر صدرایی و عرفانی در موضوع جایگاه ذات و اسمای الهی
	مقایسه جایگاه نفس الامری تعیین ها و اوصاف الهی در دو منظر صدرایی و عرفانی
۷۷	
۸۹	جمع بندی
۹۵	فصل دوم: معرفت شناسی در سنت عرفانی و صدرایی
۹۵	گفتار اول: تبیین هویت علم در عرفان اسلامی
۹۹	اتحاد عالم و معلوم و نقش آن در حقیقت علم، در دیدگاه عارفان اسلامی
۱۰۳	هویت نسبت در علم، در اندیشه ابن عربی
۱۰۶	ریشه یابی اعتقاد به هویت نسبت در صفات الهی
۱۰۸	توضیح عفیفی درباره هویت نسبت در صفات الهی
۱۰۹	عبارت قیصری درباره تبیین هویت نسبت
۱۱۱	تفکیک بنیادین علم الهی و علم مخلوق
۱۱۱	گفتار دوم: تبیین هویت علم در حکمت متعالیه
۱۱۲	حقیقت علم در حکمت متعالیه
۱۱۴	گفتار سوم: تقسیم علم در سنت های عرفانی و صدرایی
۱۱۴	علم حضوری و علم حصولی در نگرش عرفانی



۱۱۹.....	علم حضوری و علم حصولی در نگرش صدرایی.....
۱۲۱.....	تفاوت های علم حضوری و علم حصولی.....
۱۲۳.....	حقیقت علم حضوری در حکمت متعالیه.....
۱۲۳.....	دیدگاه رسمی حکمت متعالیه دربارهٔ عدم عمومیت علم حضوری.....
۱۲۴.....	نفی ویژگی حضور در موجودات دارای هویت امتداد.....
۱۲۶.....	نفی ویژگی حضور در موجودات لغیره.....
۱۲۷.....	دیدگاه متفاوت حکمت متعالیه دربارهٔ عمومیت علم حضوری.....
۱۳۰.....	دقتی مضاعف در دو تبیین متفاوت ملاصدرا از معلوم بودن مادیات.....
۱۳۲.....	حقیقت علم حصولی در حکمت متعالیه.....
۱۳۳.....	معلوم بالذات و معلوم بالعرض در علم حصولی.....
۱۳۴.....	بررسی ویژگی مطابقت در علم حصولی.....
۱۳۴.....	نقد دیدگاه مشهور براساس مبانی حکمت متعالیه.....
۱۳۵.....	تبیین نظریهٔ مطابقت در حکمت متعالیه.....
۱۳۹.....	تقسیم علم به علم فعلی و انفعالی در نگرش عرفانی و صدرایی.....
۱۳۹.....	علم فعلی و علم انفعالی در عرفان اسلامی.....
۱۴۰.....	مقسم تقسیم به علم فعلی و انفعالی.....
۱۴۲.....	علم فعلی و انفعالی در نگرش صدرایی.....
۱۴۷.....	ملاحظات بر رویکرد صدرالمتألهین در تفسیر علم فعلی.....
۱۴۸.....	نقش علم در تحقق معلوم از دو منظر عرفانی و صدرایی.....
۱۴۹.....	جایگاه علم نسبت به معلوم در نگرش عرفانی.....
۱۵۲.....	دقتی مضاعف در تابع بودن علم از معلوم در نگرش عرفانی.....
۱۵۹.....	جایگاه علم نسبت به معلوم در حکمت متعالیه.....
	پاسخ نخست ملاصدرا: مبتنی بر تفکیک دو اعتبار صفت ذات بودن و نسبت داشتن به
۱۵۹.....	اشیا.....
۱۶۰.....	پاسخ دوم ملاصدرا: مبتنی بر تفکیک علم فعلی و انفعالی.....

- پاسخ سوم ملاصدرا: مبتنی بر تفکیک حیث ثبوت علمی و عینی معلوم ..... ۱۶۰
- علم اجمالی و علم تفصیلی از دو منظر عرفانی و صدرایی ..... ۱۶۱
- علم اجمالی و تفصیلی در نگرش عرفان اسلامی ..... ۱۶۲
- علم اجمالی و تفصیلی در نگرش حکمت متعالیه ..... ۱۶۴
- فیلسوفان مشاء و پذیرش علم اجمالی ..... ۱۶۴
- انکار علم اجمالی از سوی شیخ اشراق ..... ۱۶۸
- انکار علم اجمالی از سوی فخر رازی ..... ۱۶۹
- پاسخ صدرالمتألهین به اشکالات شیخ اشراق و فخر رازی ..... ۱۷۰
- پاسخ حکیم سبزواری به شیخ اشراق درباره انکار علم اجمالی ..... ۱۷۲
- پاسخ حکیم سبزواری به فخر رازی درباره انکار علم اجمالی ..... ۱۷۳
- جمع بندی ..... ۱۷۵
- فصل سوم: مراتب علم الهی در عرفان اسلامی و حکمت متعالیه ..... ۱۸۱**
- گفتار اول: مراتب علم الهی از منظر عرفان اسلامی ..... ۱۸۱
- مرتبه علم حضرت حق به خود ..... ۱۸۱
- مرتبه علم حضرت حق به اسما و اعیان ثابته ..... ۱۸۴
- مرتبه «خُلَّت» یا ملائکه مهیمه ..... ۱۹۱
- مرتبه «نون» ..... ۱۹۲
- عقل اول یا مرتبه علمی قلم ..... ۱۹۳
- لوح محفوظ ..... ۱۹۴
- هویت های خلقی ..... ۱۹۵
- گفتار دوم: مراتب علم الهی از منظر حکمت متعالیه ..... ۱۹۷
- مرتبه عنایت ..... ۱۹۹
- مرتبه قضا ..... ۲۰۳
- مرتبه قَدَر ..... ۲۱۵
- مرتبه لوح محو و اثبات ..... ۲۱۹

مرتبه دفتر وجود .....	۲۲۱
توجیه تفاوت تبیین‌ها براساس تطور رأی از رویکرد اشراقی به رویکرد متعالی .....	۲۲۷
توجیه براساس تفاوت حال مادیات در وضعیت فی نفسه و وضعیت مقایسه با حضرت حق .....	۲۲۹
توجیه مختار: توجیه تفاوت عبارت‌ها براساس نسبت تقسیم موجود به مجرد و مادی .....	۲۳۴
گفتار سوم: مقایسه دیدگاه عارفان و صدراییان در مبحث مراتب علم الهی .....	۲۳۶
مقایسه در موضوع علم الهی به خویشتن .....	۲۳۶
مقایسه در موضوع علم الهی به اسما و اعیان ثابته .....	۲۳۷
مقایسه دو دیدگاه عرفانی و صدرایی در موضوع قدر علمی و عینی .....	۲۳۹
مقایسه دو دیدگاه عرفانی و صدرایی در موضوع مراتب علمی پسین الهی .....	۲۴۳
جمع‌بندی .....	۲۴۶
<b>فصل چهارم: علم خداوند متعال به خود در عرفان اسلامی و حکمت متعالیه .....</b>	<b>۲۵۵</b>
گفتار اول: علم الهی به خود در نگرش عرفانی .....	۲۵۵
رهیافت اول: اثبات علم الهی به خود با استفاده از حد وسط حیات .....	۲۵۶
رهیافت دوم: اثبات علم الهی به ذات خود با حد وسط علم به غیر .....	۲۵۷
رهیافت سوم: اثبات علم الهی به خود از طریق ثبوت علم نفس به خود .....	۲۵۷
علم ذات به ذات؛ اولین مرتبه معلوم .....	۲۵۸
جایگاه و مرتبه علم حضرت حق به خویش در مکتب عرفانی ابن عربی .....	۲۵۹
تلازم وحدت حقیقی و علم ذات به ذات .....	۲۶۱
تفاوت علم به ذات در مقام ذات و در مقام تعین اول .....	۲۶۳
انداماج علم ذات به ذات در مقام ذات .....	۲۶۶
تشأن علم ذات به ذات در تعین اول .....	۲۶۷
منشأ احتیاج به طرح مجدد علم ذات به ذات در مقام تعین‌ها .....	۲۶۹
گفتار دوم: علم الهی به خود از منظر حکمت متعالیه .....	۲۷۰

۲۷۱.....	علم خداوند متعال به خود؛ علم حضوری
۲۷۴.....	پرسش‌هایی درباره علم واجب متعال به ذات و پاسخ‌های حکمت متعالیه
۲۷۷.....	گفتار سوم: مقایسه دیدگاه عرفانی و دیدگاه حکمت متعالیه در علم ذات به ذات
۲۸۰.....	نکته‌ای در گزارش برخی عبارات‌های متفاوت ملاصدرا
۲۸۵.....	جمع‌بندی
۲۸۹.....	<b>فصل پنجم: علم الهی به ماسوا در سنت عرفانی و صدرایی</b>
۲۸۹.....	گفتار اول: علم تفصیلی خداوند به ماسوا در نگرش عرفانی
۲۹۲.....	رابطه علم حضرت حق به خود و به ماسوا در نگرش عرفانی
۲۹۳.....	انواع علم الهی به ماسوا نزد عارفان اسلامی
۲۹۸.....	جایگاه اسمای الهی در تعیین علمی ثانی
۳۰۰.....	تبیین عارفان درباره جایگاه اعیان ثابت‌ه در تعیین ثانی
۳۰۲.....	تبیین استدلالی برای وجود علمی اعیان ثابت‌ه
۳۰۳.....	علم تفصیلی به ماسوا؛ منشأ وجود خلقی
۳۰۷.....	مقایسه دیدگاه عارفان و فیلسوفان مشاء در علم تفصیلی پیشین خداوند متعال
۳۱۰.....	گفتار دوم: علم واجب الوجود به ماسوا در حکمت متعالیه
۳۱۱.....	علم پیشین الهی به ماسوا
۳۱۲.....	چهار منشأ دشواری مبحث علم پیشین الهی
۳۱۳.....	معناشناسی واژه «پیشین» در علم پیشین خداوند متعال
۳۱۴.....	دغدغه‌های ملاصدرا در تفسیر علم پیشین
۳۱۵.....	گام اول: تبیین چرایی علم پیشین
۳۱۸.....	گام دوم: بررسی ارتباط وجودی علم پیشین و ذات خداوند متعال
۳۳۲.....	گام سوم: علم خداوند به ماسوا؛ علم حضوری یا حصولی
۳۴۰.....	بررسی دو اشکال درباره عینیت علم الهی به خود و به ماسوا
	علم پیشین تفصیلی و رابطه آن با وجود عینی حقایق امکانی از منظر
۳۴۸.....	صدرالمتألهین

نظریه تطابق عوالم در کسوت بنیاد اصلی اثبات علم پیشین صدرایی.....	۳۵۰
علم فعلی الهی مبتنی بر نظام متطابق در عوالم.....	۳۵۴
جایگاه فاعلیت بالتجلی در مقایسه با آرای رقیب، در کلام صدرالمتألهین.....	۳۶۰
تبیین تفاوت نگاه‌های صدرالمتألهین درباره پذیرش و انکار دیدگاه حکیمان مشاء و اشراق.....	۳۶۱
علم پسین خداوند متعال.....	۳۶۹
گفتار سوم: مقایسه دیدگاه حکمت متعالیه و عرفان اسلامی درباره علم الهی به ماسوا.....	۳۷۶
جایگاه علم الهی به ماسوا در دو دیدگاه صدرایی و عرفانی.....	۳۷۶
جایگاه هستی‌شناختی معلوم در علم به ماسوا، در دو دیدگاه صدرایی و عرفانی.....	۳۸۰
جمع‌بندی.....	۳۸۷
<b>فصل ششم: رابطه علم الهی و اختیار انسان در سنت عرفانی و صدرایی.....</b>	<b>۳۹۵</b>
گفتار اول: رابطه علم الهی و اختیار انسان از منظر عرفان اسلامی.....	۳۹۵
گام‌های عارفان اسلامی برای تبیین اختیار و رابطه آن با علم الهی.....	۳۹۶
بررسی انتساب جبرگرایی به عارفان اسلامی از سوی یکی از عرفان‌پژوهان معاصر.....	۴۰۰
گفتار دوم: رابطه علم الهی و اختیار انسان از دیدگاه صدرالمتألهین.....	۴۰۸
پاسخ بدوی ملاصدرا به معضل اختیار و علم الهی.....	۴۱۰
تأمل در پاسخ بدوی ملاصدرا به شبهه اختلاف علم الهی و اختیار انسان.....	۴۱۲
رویکرد متوسط ملاصدرا نسبت به رابطه علم پیشین الهی و اختیار انسان.....	۴۱۴
التفات ملاصدرا به ریشه نزاع علم پیشین الهی و اختیار انسان.....	۴۱۵
نقش تفاسیر مختلف از اختیار در دیدگاه متوسط ملاصدرا.....	۴۱۵
تأمل در پاسخ متوسط ملاصدرا به شبهه اختلاف علم الهی و اختیار انسان.....	۴۱۹
رویکرد نهایی ملاصدرا نسبت به رابطه علم پیشین الهی و اختیار انسان.....	۴۲۰
گفتار سوم: مقایسه نگرش عرفانی و صدرایی در رابطه علم الهی و اختیار انسان.....	۴۲۳
جمع‌بندی.....	۴۲۸

۴۳۵.....	کتاب‌نامه
۴۴۵.....	نمایه
۴۴۵.....	نمایه آیات
۴۴۶.....	نمایه روایات
۴۴۷.....	نمایه اصطلاحات
۴۵۶.....	نمایه اعلام
۴۵۹.....	نمایه کتب

## مقدمه

سپاس بیکران مر خدای را - عزّ و جلّ - که عنایتی بس جلیّ متوجه این بنده فقیر و مسکین نمود تا لمعه‌ای جدید بر موضوعی از موضوعات حوزه‌ی خداشناسی اندازد و ایامی را به غور در اسمای حسنای الهی سپری کند که حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»<sup>۱</sup> و حضرت صادق الائمه ﷺ مصداق کاملش را بیان کرده‌اند که «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ»<sup>۲</sup> و کمینه متاعی که از این غور نصیب این بنده شد مزاحمت نسبت به فکر و عمل به محرمات الهی است و بیش از این، شاید که به نوری از انوار الهی متلبّس شود و دانشی بر قلب او ورود کند که حضرتش به صدق فرموده‌اند: «إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ»<sup>۳</sup>.

خالص‌ترین تحیات الهی و پاک‌ترین صلوات ملائکه مقربین و نفیس‌ترین سلام‌ها در طبّقی از اخلاص و مَحْمَدَات، بر مصطفای هستی که در سرسرای ملکوت، احمد و به دارالملک، محمد ﷺ نام گرفت که آرامش جهان به اوست و گنبد سبزش فلکِ اطلس را عاشق و مدوّر ساخته و همان فلک‌الافلاک عالم است. نیز صلوات خاصه همه انبیای الهی و مرسلین ربوبی بر امامان و مرشدان طریقت علوی و علوی که اهل بیت رسول‌اند و روشنایی عالم از آن انوار لامع و ساطع است، آنان که از مقام علوّ و علم پُر از حُسن حق متعال طالع، و از نام عالی خداوند بارع بوده و مایه فضیلت جهان شده‌اند و به یمن حضورشان، ظلمت عدم به نور وجود مبدل گشته و به طلوعشان جهان خرم و زیبا شده است و آخرین سلام و درود و تحیت به محضر قطب و ختم عالم و خاتم ولایت

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۵: «بهترین عبادت‌ها مداومت نمودن است بر فکر در خدا».

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

مطلقه، که در ملکوت به احمد و محمد و در ناسوت به مهدی عجل الله فرجه موسوم است و جهان با غروبش غمناک شده است و با ظهورش انسان از ظلمت نجات خواهد یافت. و اما بعد...

کوشش برای دست یافتن به حقیقت همواره مورد تکریم و ستایش حضرت حق متعالی و راهبران معصوم علیهم السلام بوده است و پیشگرم و پژوهشگر راستین در مسیر تحقق این هدف با دشواری های فراوانی مواجه می شود که تحمل آن ها سبب نزول عنایات و عطایای الهی می شود. نقل است که حضرت امام صادق علیه السلام فرموده اند: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهَجِّجُ وَ حَوَّضِ اللَّجَجِ»<sup>۱</sup>.

یکی از دشوارترین بررسی ها در حوزه مسائل الهیات بالمعنی الاخص، به تصریح بزرگان و عالمان عارف و فیلسوف و متکلم، بررسی و تبیین وجود و صفات حضرت حق متعالی و به طور خاص، بررسی و تبیین زوایای ظریف علم خدای متعالی است. بزرگان ارباب معرفت عجز و ناتوانی خود را در این ساحت از دانش ابراز کرده اند، زیرا او باطن مطلق و غیبی است که از هرگونه ظهور و بروز به دور است و حقیقتی است که حتی از قلوب اولیا نیز مستور است. در این منزلت است که اصحاب ذوق نگاشته اند:

ألا إن ثوباً خيط من نسج تسعة و عشرين حرفاً عن معاليه قاصر  
یعنی آگاه باشید پیراهنی که تاروپود آن از بیست و نه حرف بافته شده است از بیان مقامات و بلندای کمالات حضرت حق متعالی قاصر است. لفظ کوتاه است و معنایش رفیع؛ پای مالنگ است و منزل بس دراز دست ما کوتاه و خرما بر نخیل!  
من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش<sup>۲</sup>  
در عین حال، شاهد کوشش فراوان بزرگان عرفان و فلسفه و کلام اسلامی برای تبیین زوایای پنهان مبحث علم الهی هستیم. به عبارتی از ملاصدرا در بیان صعوبت این

۱. همان، ص ۱۷۷: «اگر مردم اجرها و ارزش های علم را می دانستند، در طلب آن می کوشیدند، ولو به قیمت ریزش خون دل ها و فرورفتن در طوفان های سهمگین و گرداب های خطرناک».  
۲. بیشتر ناقلاً این بیت شعر آن را به شمس تبریزی یا مولوی نسبت داده اند، حال آنکه این بیت را مرحوم دهخدا در ذیل مدخل «خواب دیده»، از رساله مجدییه، تألیف حاج میرزا محمدخان مجدالملک لواسانی (متوفای سال ۱۲۹۸ هجری قمری)، می داند.



مسئله توجه می‌کنیم:

تبیین نحوه علم خداوند به اشیا، به گونه‌ای که نه ایجابی از آن لازم آید و نه اجتماع فاعلیت و قابلیت را به دنبال داشته باشد و نه کثرتی را در ذاتش فراهم آورد، از غامض‌ترین مسئله‌های حکمی است که کم کسی را یاری آن بوده است که به این تبیین بدون اعوجاج و انحراف راه یابد تا بدانجا که شیخ الرئیس، ابوعلی سینا، با آن ذکاوت و هوشمندی بی نظیرش و شیخ اشراق با وجود صفای ذهن و کثرت ریاضت‌های حکمی و کشفی‌اش نیز از عهده‌اش برنیامدند. و اگر حال امثال ابن سینا و شیخ اشراق این چنین باشد، پس حال کسانی که اسیر عالم حسی و مبتلا به فریب طبیعت و مخالطت با آن هستند چگونه خواهد بود؟ قسم به جانم که تبیین صحیح این مطلوب جلیل، به گونه‌ای که موافق با اصول حکمی و مطابق با قواعد دینی و بری از نقض‌ها و منزه از اشکالات باشد، در مرتبه‌ی اعلای قوای فکری بشری است و حقیقت این است که می‌توان این مسئله را تمام حکمت حقه الهیه انگاشت. به خاطر صعوبت این مطلوب و غموض شدید آن است که برخی از فیلسوفان پیشین علم خداوند را به طور مطلق از هر چیزی سلب نمودند و به گمراهی و خسروانی بعید و مبین دچار شدند...<sup>۱</sup>

به جهت همین نکته‌ای که در سخن صدرای شیرازی آمده است، اختلافات فراوانی در موضوع علم الهی بین سه نحله کلامی، فلسفی، و عرفانی مشاهده می‌شود. این تفاوت، به حسب تنوعات رویکردی و نگرشی حاکم بر سه دانش عرفان، فلسفه، و کلام اسلامی، دامنه وسیعی را شامل می‌شود تا آنجا که برخی از قدمای فلاسفه علم الهی را به طور مطلق، هم نسبت به ذات خویش و هم نسبت به ماسوا، منکر شده‌اند<sup>۲</sup> و آنان که علم حضرت حق به ذات خویش را پذیرفته‌اند رهیافت‌های متفاوتی را برای اثبات این نگرش به کار برده‌اند. از سوی دیگر، همان گونه که در کلام ملاصدرا نیز گذشت، برخی از

۱. رک: صدرالمتألهین، المبدأ و المعاد، ص ۹۰-۹۱.

۲. رک: ایجی، مواقف، در شرح‌المواقف، ج ۸، ص ۷۱-۷۳.

فیلسوفان پیشین به انکار مطلق علم الهی به ماسوا - چه علم اجمالی و چه علم تفصیلی - معتقد شدند. در پی این نگرش، برخی دیگر از فیلسوفان، همچون شیخ اشراق، علم تفصیلی الهی را فقط منحصر در علم به ذات دانسته‌اند و به‌هنگام طرح بحث از علم به ماسوا، این علم را به‌عنوان علم ذاتی و تفصیلی نپذیرفته و آن را صرفاً به علمی مبهم و اجمالی به ماسوا در مقام ذات ارجاع داده‌اند. در مقابل، بسیاری دیگر از فیلسوفان و نیز متکلمان و عارفان اسلامی، برخلاف نگرش اشراقی، علم حضرت حق به ماسوا را در مقام ذات و پیش از حقایق امکانی امکان‌پذیر دانسته و آن را علمی بیش از علم اجمالی و مبهم تصویر کرده‌اند. هرچند در حد و اندازه این تفصیل اختلاف جدی میان نحله‌های مختلف علمی وجود دارد، دیدگاه غالب در این زمینه دیدگاه حداکثری است که به علم پیشین حضرت حق به تمام کلیات و جزئیات حقایق امکانی، اعم از حقایق امکانی مجرد و مادی، معتقد است؛ ولی در مقابل، دیدگاه برخی از فیلسوفان مشاء، همچون ابن سینا، قرار دارد که علم تفصیلی حضرت حق به حقایق مجرد را به‌طور حداکثری می‌پذیرد و دربارهٔ مادیات، تنها علم به جزئیات به‌نحو کلی را شایستهٔ مقام الوهی دانسته و علم به جزئیات به‌نحو جزئی را سزاوار حضرت حق ندیده‌است.

برخی دیگر از فیلسوفان، همچون شیخ‌الرئیس که علم حضرت حق به ماسوا را در مقام ذات خداوندی‌اش پذیرفته‌اند، آن را علمی متمایز از علم حضرت حق به خودش دانسته و آن علم را خارج از ذات حضرت حق تصویر کرده‌اند. در این میان، ملاصدرا - حکیم سترگ جهان اسلام و مؤسس حکمت متعالیه - نه‌تنها علم الهی به ماسوا را عین ذات و در مقام ذات و پیش از مقام خلق دانسته، بلکه این علم را عین علم به ذات تعریف کرده‌است. نگرش عارفان اسلامی نیز، با اندکی اختلاف در برخی تبیین‌ها و ملاحظات، به رویکرد صدرایی نزدیک است. ازسوی دیگر، در حضوری یا حصولی بودن علم حضرت حق به ماسوا نیز آرای متنوعی در میان فیلسوفان و متکلمان و عارفان وجود دارد. برخی به‌جهت مبانی ساختاری حاکم بر دانش خود نتوانسته‌اند از عهدهٔ اثبات علم حضوری حضرت حق به ماسوا برآیند و به‌ناچار به ایدهٔ وساطت صورت‌های علمی برای عالم شدن خداوند متعالی به حقایق امکانی روی آورده‌اند. در مقابل، اعتقاد به حضوری بودن علم حضرت حق به ماسوا همراه با ذاتی بودن و پیشین بودن این علم نبوده‌است و فیلسوفی همچون شیخ اشراق، در عین اعتقاد به حضوری بودن این علم،

تأخرش از مقام ذات را نتیجه گرفته است. حکیمان حکمت متعالیه همگام با عارفان اسلامی، با اتکا به ظرفیت‌های موجود در مکتب فلسفی و عرفانی خویش، توانسته‌اند در عین حال که حضوری بودن علم الهی به ماسوا را تبیین می‌کنند، به اثبات پیشین بودن و ذاتی بودن آن علم نیز اهتمام ورزند.

مسائل یادشده دربردارنده پرسش‌های بنیادین و کلی معطوف به مسئله علم الهی است که - همان‌گونه که در گزارش مختصر مزبور از نحله‌های اندیشه‌ورز در دنیای اسلام گذشت - برخلاف اختلافات فراوانی که میان نحله‌های مختلف علمی وجود دارد، این گزارش اجمالی نشانگر قرابت دو رویکرد حکمت متعالیه و عرفان اسلامی در این موضوع پرچالش است. با وجود این و با توجه به ساختار ویژه جهان‌شناختی در عرفان اسلامی از یک سو و تفاوت بنیادین روشی میان دو دانش فلسفه و عرفان ازسوی دیگر می‌توان پرسش‌های ویژه‌ای را پیش‌روی پژوهشگری نهاد که در پی مقایسه این دو نحله علمی در مبحث علم الهی است. برخی از این پرسش‌ها از این قرارند:

- آیا مبانی تأثیرگذار در نظریه فلسفی و عرفانی علم الهی مبانی مشترکی هستند یا با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند؟ طرح این پرسش در مقام مقایسه دو دیدگاه عرفانی و فلسفی کاملاً منطقی است. مضاف بر اینکه تفاوت روش‌شناسی میان دانش عرفان نظری و حکمت متعالیه، به‌طور طبیعی، می‌تواند بر اختلاف مبانی تأکید کند. ازطرف دیگر، ابهام جدی در مقارنت نگرش عرفانی و صدرایی درباره مناسبات میان علم و عالم و معلوم وجود دارد. نظریه تأخر علم از معلوم و نسبت انگاشتین هویت علم در نگرش عرفانی از یک سو و اتحاد عالم و علم و معلوم در نگرش صدرایی ازسوی دیگر، عدم مقارنت و تشابه را تقویت می‌کند.

- آیا فیلسوفان حکمت متعالیه و عارفان اسلامی نگرش یکسانی به مراتب علم الهی دارند؟

- آیا اعتقاد به علم پیشین و پسین در میان عارفان اسلامی همانند اعتقاد فیلسوفان حکمت متعالیه به علم پیشین و پسین الهی است؟ این پرسش زمانی بیشتر جلوه می‌کند که در ساختار جهان‌شناختی عرفان اسلامی، حقایق عالم به حقایق علمی و عینی تفکیک می‌شوند و این تفکیک نفی علم پسین در عرفان اسلامی را تداعی می‌کند. از دیگر سو، آیا علم پیشین الهی به حقایق امکانی فقط دربرگیرنده علم به کلیات آنان

است یا مقادیر و جزئیات احوال حقایق امکانی را نیز پوشش می‌دهد؟ مقایسه دیدگاه عارفان و حکیمان حکمت متعالیه در این زمینه می‌تواند سبب آشکار شدن اضلاع پنهان این مسئله شود و به‌طور دقیق مشخص کند که مبانی فلسفی و عرفانی در علم الهی به جزئیات چه نقشی را ایفا می‌کنند.

زاویه دیگر این بررسی به تبیین نحوه رابطه میان علم پیشین و علم پسین الهی معطوف است. پژوهشگران عرصه حکمت متعالیه می‌دانند که در نظام فلسفی صدرایی، علم پیشین نقش بارزی در تحقق هویت عینی دارد. در عین حال، گرایش عارفان به عدم تأثیر علم در معلوم سبب ابهام در همراهی آنان با نگرش صدرایی است. بر این اساس، مقایسه دو دیدگاه عرفانی و فلسفی درباره نقش‌ورزی وجود علمی در وجود عینی امری شایسته و ضروری می‌نماید.

- آیا علم خداوند به خودش در عرفان اسلامی و حکمت متعالیه تبیین واحدی دارد؟ چه‌بسا تبیین عرفانی از تعین اول و گنجاندن علم ذات به ذات در تعین اول، در بادی امر، این‌گونه جلوه کند که عارفان علم ذات به ذات را عین ذات و در مقام ذات نمی‌دانند. در برابر این گمان، اگر پژوهشگر به این نتیجه برسد که عارفان به وجود علم در مقام ذات معتقدند، این پرسش منطقی می‌نماید که با وجود علم به ذات در مقام ذات، دیگر چه احتیاجی به مقامی به نام تعین اول در صقع ربوبی است. اگر پژوهشگر از عهده پاسخ به پرسش‌های مطرح شده برآید، تازه به موقعیت پژوهشی مقایسه با نگرش صدرایی خواهد رسید و پرسش‌های مهمی پیش‌روی او قرار خواهد گرفت. پژوهشگران حوزه حکمت متعالیه می‌دانند که علم حضرت حق به خودش، به اعتقاد ملاصدرا، در مقام ذات تعریف شده است. با این نگاه بدوی، چه‌بسا این نتیجه نارس دور از انتظار نباشد که در مقام مقایسه دیدگاه عارفان و صدراییان، حکم به تفاوت این دو دیدگاه صادر شود.

درباره علم الهی به ماسوا، این پرسش‌ها در مقایسه دیدگاه عارفان و حکیمان حکمت متعالیه قابل طرح است: تعین ثانی، که از نگاه عارفان به عنوان جایگاه علم الهی به ماسوا تعریف شده است و تأخر نفس‌الامری از تعین اول دارد، از منظر حکمت متعالیه چه جایگاهی دارد؟ این پرسش با توجه به دیدگاه عینیت علم به ذات و علم به ماسوا در حکمت متعالیه جدی‌تر می‌شود؛ یعنی اگر حکیمان صدرایی به عینیت علم به ذات و علم به ماسوا، آن‌هم در مقام ذات، معتقد هستند، در این صورت، تعین اول نیز نزد

حکیمان صدرایی جایگاه نفس الامری ندارد تا چه رسد به تعیین ثانی. ازسوی دیگر، اجمالی بودن علم الهی در برخی مقامات و تفصیلی بودن آن در برخی مقامات دیگر موضوع مهمی است که می‌تواند از نظر تطبیقی در پژوهش کنونی بررسی شود. تفکیک مقام ذات از مقام تعیین اول و تفکیک این دو مقام از مقام تعیین ثانی در عرفان اسلامی چه بسا تداعی‌کننده تفکیک علم اجمالی و تفصیلی از نگرش عرفانی شود. در مقابل، تصریح‌های فراوان صدرالمتألهین بر عینیت علم اجمالی و تفصیلی خداوند متعال به ماسوا می‌تواند در تقابل با نگرش عرفانی قلمداد شود. همچنین ابهام جدی در تشابه نگرش عرفانی و صدرایی در نقش‌آفرینی علم الهی برای تحقق عالم عینی وجود دارد. می‌دانیم که متکلمان در ایجاد حقایق امکانی، اراده الهی را عامل اصلی تحقق مخلوقات عنوان کرده و علم الهی را برای تحقق مخلوقات ناکافی دانسته‌اند. حکیمان مشاء علم زائد بر ذات را عامل اصلی تحقق مخلوقات دانسته‌اند و حکیمان اشراقی ذات حضرت حق را، فارغ از اوصاف، علت تحقق حقایق امکانی تعریف کرده‌اند و نظریه فاعلیت بالتجلی در حکمت متعالیه به صراحت بر نقش منحصربه‌فرد علم الهی حضوری و غیرزائد بر ذات الهی در تحقق و ظهور اعیان خارجی تأکید دارد، درحالی‌که نظریه تأخر علم از معلوم ابهام سنگینی در تمایل عارفان درباره سببیت علم الهی در تحقق اکوان خارجی ایجاد می‌کند.

از ملحقات مبحث علم الهی، که بیشتر قریب به اتفاق حکما و عارفان و کلامیان به آن پرداخته‌اند، چگونگی تبیین علم پیشین الهی است، به‌گونه‌ای که تصادم و تعارضی با اختیار انسان نیابد. در مقایسه میان نگرش صدرایی و عرفانی نکات پرسش‌برانگیزی مطرح می‌شود، از جمله اینکه آیا با وجود گرایش عارفان به موضوع تابع بودن علم از معلوم و تصحیح اختیار انسان از این طریق، مبانی ویژه عرفانی در این نظریه به استخدام گرفته شده‌اند. این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که به قرابت نظریه فوق با نگرش کلامی توجه شود. در این میان، ملاصدرا با استخدام نظریه وحدت وجود و وحدت اوصاف وجود، به مصاف حل این معضل رفته است و بدین ترتیب، طرح پرسش ذیل ضروری است: آیا انحصار اوصاف وجود در خداوند موجب تثبیت اختیار در انسان است یا موجب نفی اختیار از انسان؟

پرسش‌های یادشده، که اهم پرسش‌های مبحث علم الهی ذیل مقایسه حکمت متعالیه و عرفان اسلامی است، به ضمیمه پرسش‌های فرعی در این زمینه، چنین پرسش

ظریفی را پیش روی خواننده این عبارت‌ها بازسازی می‌کند: جایگاه کلی حکمت متعالیه در قبال عرفان اسلامی چیست؟ آیا حکمت متعالیه، همانند سایر مکتب‌های فلسفی مشاء و اشراق، تنها مجموعه‌ای از پاسخ‌های فلسفی به پرسش‌های فلسفی است یا ملاصدرا علاوه بر وظیفه فوق، در صدد فراوری خوانش فلسفی از نگرش‌های عرفانی نیز بوده است؟ اگر رویکرد دوم را درباره حکمت متعالیه بپذیریم، آیا حکمت متعالیه شارح و مقرر عرفان اسلامی است؛ به این معنا که آیا حکمت متعالیه فراهم‌کننده زبان فلسفی برای یافته‌های عرفانی است یا علاوه بر وظیفه فوق، پیش‌برنده و عمق‌بخشنده و بازنگرنده نگرش‌های عرفانی است؟

اثر حاضر، که حاصل پژوهش چندین ساله نویسنده در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است، به پرسش‌های یادشده از منظری بی‌طرفانه و بدون سوگیری نگرسته است و به طور کلی، به این نتیجه بسیار مهم دست یافته است که حکمت متعالیه نه تنها تلفیق فلسفه و عرفان نیست و مقرر و گزارشگر صرف عرفان نظری محسوب نمی‌شود، بلکه گاه فرسنگ‌ها جلوتر از نگرش عارفان در سنت عرفانی گام برمی‌دارد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین دستاورد کلی این پژوهش چنین رقم خورده است که حکیمان حکمت متعالیه در همان قلمرو و با همان روشی که فیلسوفان و عارفان اسلامی در مبحث علم الهی ورود نموده‌اند، خدمات مهمی را در قالب دسته‌بندی ذیل فراهم کرده‌اند:

**الف) از حیث محتوای علمی:** گاه چنین است که منظومه حکمت متعالیه توفیق یافته است دقیق‌تر از فیلسوفان پیشین و کامیاب‌تر و عرفانی‌تر از عارفان اسلامی به تبیین علم الهی در ساحت‌های مختلف و ابعاد متنوع این موضوع اهتمام ورزد. برای نمونه، در این نگاه، در تبیین رابطه علم الهی و اختیار انسان توضیح داده شده است که عارفان نتوانسته‌اند از مفروضات عرفانی در جهت تبیین این رابطه بهره‌برداری کنند. حکیم حکمت متعالیه با استخدام همه مبانی فلسفی و عرفانی، که در دستگاه متعالی خویش به تبیین فلسفی آن پرداخته، توانسته است به تبیین دقیق‌تری از این رابطه دست یازد.

**ب) از حیث پردازش ایده و تولید زبان برای تبیین و شرح مدعیات فلسفی و عرفانی:** خواننده مطالب این نگاه، به خوبی، به این نتیجه واقف خواهد شد و با

نویسنده این سطور هم‌نوا می‌شود که یکی از مهم‌ترین خدمات حکیم حکمت متعالیه به تاریخ اندیشه‌ورزی عقلی فراوری زبانی دقیق و عاری از خلل و عیب برای تبیین و تقریر و شرح مدّعیات فلسفی و عرفانی است. برای نمونه، تولید زبان تبیینی برای نظریه راقی عینیت علم اجمالی و تفصیلی یکی از گهربارترین خدمات حکمت متعالیه برای تبیین ایده عرفانی علم الهی در صُقع ربوبی در دو ساحت تعین اول و ثانی از یک سو و ازسوی دیگر، یکی از متعالی‌ترین ابعاد حکمت صدرایی در رفع خلل تبیینی است که حکیمان گرانقدری همچون شیخ‌الرئیس و شیخ اشراق، با وجود قرب محتوایی به این نظریه، نتوانستند از عهده دفاع فلسفی از آن برآیند.

در پایان، سزاوار است سپاس و خضوع و خاکساری خود را به حضور همه کسانی اعلام کنم که به‌گونه‌ای در تعمیق اندیشه فلسفی و عرفانی این جانب نقش داشته‌اند. نیز از برادر گرانقدر و استاد معظّم، حجت‌الاسلام والمسلمین امینی‌نژاد، که به اینجانب در بازبینی محتوایی این اثر کمک مؤثری کردند، خاضعانه تشکر می‌کنم.

از خوانندگان محترم این اثر تقاضا دارم نکات اصلاحی و تکمیلی خویش را، که به چشم ظرافت بین و دقیق خویش مشاهده کرده‌اند، در اختیار نویسنده گذارند تا در ویرایش‌های پسین به‌کار گرفته شوند. امید واثق دارم که این اثر بتواند در فضای مه‌آلود این زمانه، نوری فراروی خوانندگان محترم قرار دهد که

«إِنِّي أَنشَأُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبْرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ»<sup>۱</sup>

سید احمد غفاری قره‌باغ

عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران

پاییز ۱۴۰۳

